

نقش اعتبارات خرد در توان‌مندسازی زنان:

مطالعه‌ی موردی روستای پشت‌رود بزم

مریم رحمانی

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان

دکتر سیامک زند رضوی

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر علی ربانی

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان

دکتر مهدی ادیبی

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان

چکیده

فرآیند چندبعدی دست‌رسی افراد به منابع قدرت، برای افزایش سرمایه‌های فردی و گروهی، به منظور حرکت به سوی انتخاب‌های هدف‌مند، توان‌مندسازی نامیده می‌شود. در میان راه‌های گوناگونی که برای توان‌مندسازی زنان در ابعاد و سطوح مختلف وجود دارد، اعتبارات خرد با نفوذ در ابعاد مختلف زندگی زنان و کمک به بهبود زندگی تعداد زیادی از آن‌ها، در دو دهه‌ی اخیر، جای‌گاهی ویژه را به خود اختصاص داده و به دلیل آن که عموماً در قالب گروه‌های داوطلب و بدون نیاز به ضامن یا وثیقه به زنان واگذار می‌شود، مورد استقبال قرار گرفته‌است. کاهش فقر، افزایش سرمایه‌های اجتماعی، افزایش پس‌انداز، کارآفرینی، احساس امیدواری نسبت به زندگی، و کنترل زنان بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، از جمله تأثیراتی است که اعتبارات خرد در توان‌مندسازی زنان داشته‌است.

در این پژوهش، که هدف آن بررسی نقش مثبت و منفی شبکه‌ی واگذاری اعتبارات خرد روستای پشت‌رود بزم در ابعاد مختلف توان‌مندسازی زنان است، چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، روانی، و فرهنگی توان‌مندسازی زنان، با روش پیمایش و از طریق مصاحبه‌ی مستقیم بر روی ۱۰۸ زن عضو صندوق خردوام‌دهی زنان روستای پشت‌رود بزم (در شمال شهر بزم، استان کرمان)، مورد مطالعه و اجرا قرار گرفته‌است. یافته‌های پژوهش بیان‌گر آن است که حضور فعال در شبکه‌های واگذاری اعتبارات خرد، بر افزایش توان‌مندی‌های اجتماعی، اقتصادی، و روانی تأثیر داشته، اما نتوانسته‌است بر روی توان‌مندی فرهنگی زنان تأثیری معنادار بگذارد.

واژگان کلیدی

زنان؛ توان‌مندسازی؛ اعتبارات خرد؛ شبکه؛ روستای پشت‌رود بزم؛

با توجه به نابرابری‌های جنسیتی موجود در سطح جوامع و تأثیر منفی این نابرابری‌ها بر روند توسعه، نظریه‌پردازان توسعه، توان‌مندسازی را راه‌بردی مؤثر در کاهش نابرابری‌های جنسیتی و راه رسیدن به توسعه پایدار می‌دانند. توان‌مندسازی، مختص گروه‌هایی آسیب‌پذیر از جامعه است که دچار طرد اجتماعی اند؛ یعنی به روش‌های مختلف، از مشارکت کامل در جامعه‌ی بزرگ‌تر محروم شده‌اند (گیدنز^۱: ۱۳۸۶: ۴۶۵). بر پایه‌ی مطالعات انجام‌شده‌ی ماسون و اسمیت^۲ (۲۰۰۳)، رحمان^۳ (۱۹۸۶)، برگرفته از ویلیامز^۴ (۲۰۰۵)، اوماشانکار^۵ (۲۰۰۶)، مایوکس^۶ (۲۰۰۰)، لانگه و کلارک^۷ (۱۹۹۹)، و ابوت و والاس^۸ (۱۳۸۵)، زنان، خصوصاً زنان فقیر و بی‌قدرت، قشر آسیب‌پذیر و از حاشیه‌ی‌ترین گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند، که عموماً فاقد قدرت کنترل منابع و دسترسی به فرصت‌ها و موقعیت‌های برابر اند.

در دو دهه‌ی اخیر، اعتبارات خرد، به عنوان راه‌بردی مؤثر در کاهش فقر اقتصادی و ایجاد برابری بین افراد، مورد تأکید قرار گرفته‌است. اهمیت اعتبارات خرد در روند کاهش فقر و به دنبال آن کاهش نابرابری و افزایش توان‌مندی افراد به اندازه‌ی است که در سال ۱۹۹۷، کنگره‌ی سران اجلاس خرده‌وام‌دهی با هدف این که تا سال ۲۰۰۵ برای بیش از ۱۰۰ میلیون از فقیرترین خانواده‌های جهان، خصوصاً زنان این خانواده‌ها، وام و خدمات مالی فراهم آورد، تشکیل شد (ورونیوک و شک‌ویک^۹: ۱۹۹۸) و در نوامبر ۲۰۰۴ نیز، کوفی عنان^{۱۰} دبیر کل وقت سازمان ملل متحد، سال ۲۰۰۵ را سال اعتبارات خرد^{۱۱} نام نهاد.

اعطای اعتبارات خرد شاید در ابتدا تنها یک فرآیند اقتصادی در نظر گرفته‌شود، اما از آن جا که مشارکت گروهی خود اعضا، تشکیل‌دهنده‌ی شبکه‌ی اجتماعی است که پرداخت وام را بدون ضامن و وثیقه انجام می‌دهد، اعتماد به یک‌دیگر و هم‌چنین هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، ضامن بازپرداخت وام‌ها است؛ بر این اساس، پروژه‌ی که با هدف اقتصادی شروع به کار می‌کند به فرآیندی اجتماعی تبدیل می‌شود.

در خصوص اثرات مثبت اعتبارات خرد در توان‌مندسازی زنان، مایوکس (۱۹۹۷)، ورونیوک و شک‌ویک (۱۹۹۸)، هاشمی، شولر، و رایلی^{۱۲} (۱۹۹۶)، برگرفته از اوماشانکار (۲۰۰۶)، رحمان (۱۹۸۶)، برگرفته از ویلیامز (۲۰۰۵)، و اکسال و بادن^{۱۳} (۱۹۹۷) به افزایش درآمد زنان و به

¹ Giddens, Anthony

² Mason, Karen Oppenheim, and Herbert L. Smith

³ Rahman, Rushidan Islam

⁴ Williams, Jill

⁵ Umashankar, Deepti

⁶ Mayoux, Linda

⁷ Longwe, Sara, and Roy Clarke

⁸ Abbott, Pamela, and Claire Wallace

⁹ Woroniuk, Beth, and Johanna Schalkwyk

¹⁰ Annan, Kofi

¹¹ International Year of Microcredit 2005

¹² Hashemi, Syed M., Sidney Ruth Schuler, and Ann P. Riley

¹³ Oxaal, Zoë, and Sally Baden



دنبال آن بهبود زندگی و نقش آنان در تصمیم‌گیری‌های مالی منزل اشاره کرده‌اند و ورونیک و شک‌ویک نیز به افزایش اعتماد به نفس زنان از خلال تعاملات جمعی پرداخته‌اند. *اوماشانکار* (۲۰۰۶) می‌گوید: «مشارکت زنان در این شبکه‌ها سبب گسترش روابط اجتماعی و سبب کاهش خشونت خانگی می‌گردد» (ص ۸) و *ماسون* و *اسمیت* (۲۰۰۳) نیز بر نقش متقابل هنجارهای اجتماعی و توان‌مندسازی تأکید کرده‌اند. افزایش اعتماد، احساس امیدواری و سرزندگی، رضایت، و تأکید بر هنجارهای گروهی از جمله مزایای دیگر اعتبارات خرد است.

در کنار محاسن هر واقعیت اجتماعی، معایبی وجود دارد و شبکه‌های واگذاری اعتبارات خرد نیز از این واقعیت در امان نیستند. بنا به گفته‌ی *مایوکس* (۱۹۹۷)، *ورونیک* و *شاک‌ویک* (۱۹۹۸)، *اوماشانکار* (۲۰۰۶)، و *گوتز* و *گوپتا*^۱ (۱۹۹۶)، برگرفته از *اوماشانکار* (۲۰۰۶)، روند اعطای وام، گاه پی‌آمدهایی ناخواسته چون کنترل وام دریافتی به وسیله‌ی مردان، افزایش وابستگی زنان به مردان، و تنش در منزل هنگام بازپرداخت وام‌ها را نیز به دنبال دارد. *ورونیک* و *شاک‌ویک*، و *اوماشانکار* به افزایش حجم کار زنان، خصوصاً افزایش حجم کار دختران و عروس‌ها (نیروی کار بی‌مزد زنانه) اشاره می‌کنند و *اوماشانکار* معتقد است زمانی که زن‌ها وام می‌گیرند، بسیاری از مردها درآمدهای خود را برای خود (و نه خانواده) خرج می‌کنند.

بر اساس آنچه گفته‌شد، اعتبارات خرد توان مقابله با بسیاری از نابرابری‌های جنسیتی را ندارد و چنانچه *ورونیک* و *شاک‌ویک* (۱۹۹۸) بیان می‌دارند: «بسیاری از جنبه‌های نابرابری جنسیتی با اعتبارات خرد حل و فصل نمی‌شود؛ روال معمول کار تبعیض‌آمیز، تقسیم نامساوی و خشونت‌آمیز مسئولیت‌های خانگی، و سوبه‌گیری‌های آموزشی از آن جمله‌اند.» (ص ۶)؛ بنا بر این، نباید از اعتبارات خرد انتظار تغییراتی وسیع به سوی توان‌مندسازی همه‌جانبه را داشت.

بررسی مفاهیم موضوع

توان‌مندسازی

به دلیل نقش مهم نابرابری‌های جنسیتی در به حاشیه راندن زنان در امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی، و نقش این نابرابری‌ها به عنوان بازدارنده‌ی توسعه‌ی جوامع و نیز برای کمک به برابری و قدرت‌بخشی به نیمی از افراد جامعه، که زنان‌اند، مفهوم

¹ Goetz, Anne Marie, and Rina Sen Gupta

توان‌مندسازی^۱ گسترش یافت. این مفهوم در ابتدا مورد توجه فمینیست‌ها و سپس نظریه‌پردازان توسعه قرار گرفت.

کلمه‌ی Empowerment در فارسی، بیش‌تر، توان‌مندسازی ترجمه شده و واژه‌ی Power یا قدرت موجود در آن کم‌رنگ جلوه داده شده‌است؛ در حالی که در واژه‌ی توان‌مندسازی، قدرت، مفهومی کلیدی دارد و چنانچه پیچ و کوزب^۲ (۱۹۹۹) اشاره کرده‌اند: «هسته‌ی مفهوم توان‌مندسازی، ایده‌ی قدرت است، زیرا اگر قدرت بتواند تغییر کند، توان‌مندسازی ممکن می‌شود؛ در غیر این صورت توان‌مندسازی ممکن نیست. مفهوم توان‌مندسازی با آنکا به مفهوم قدرت است که می‌تواند بسط یابد.» (ص ۳)؛ بنا بر این، گرفتن مفهوم قدرت از توان‌مندسازی به مفهوم اصلی آن لطمه می‌زند. کرافت و بریس‌فورد^۳ (۱۹۹۲)، برگرفته از غفاری و نیازی (۱۳۸۶) نیز معتقد اند باید توجه کرد که توان‌مندسازی بازی مجموع صفر نیست و قدرت را می‌توان به دست آورد، بدون این که قدرت دیگران کاهش یابد.

بر پایه‌ی تعریف دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)^۴ (۱۳۷۲)، توان‌مندسازی «فرآیندی است که طی آن، افراد، برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که باعث تسلط آن‌ها در تعیین سرنوشت خود می‌شود. این واژه به مفهوم غلبه بر نابرابری‌های بنیانی است. توان‌مندسازی یک زن به این مفهوم است که او برای انجام برخی کارها، توانایی جمعی پیدا می‌کند و این امر به رفع تبعیض میان زنان و مردان منجر می‌شود و یا در مقابله با تبعیض‌های جنسیتی در جامعه مؤثر واقع می‌گردد.» (ص ۱۴).

توان‌مندسازی یا قدرتیابی فرآیندی است که در طی آن زنان توانایی تشکل و سازمان‌دهی خود را پیدا می‌کنند تا بتوانند اعتماد به نفس خویش را افزایش دهند، حق انتخاب آزادانه و مستقل را برای خود طلب کنند، و منابعی را که به مبارزه با فرودستی ایشان و از بین بردن این فرودستی کمک می‌کند تحت کنترل بگیرند (ابوت و والاس ۱۳۸۵). در یک تعریف کلی، توان‌مندسازی را می‌توان فرآیند قدرت‌بخشی به افراد، جهت تسلط بر انتخاب‌های خویش، که باعث افزایش سرمایه‌های شخصی و اجتماعی می‌شود، دانست و یکی از راه‌هایی که در دو دهه‌ی اخیر نقشی مهم برای دستیابی به این موضوع ایفا کرده، اعطای اعتبارات خرد به فقرا و به‌خصوص به زنان است.

¹ Empowerment

² Page, Nanette, and Cheryl E. Czuba

³ Croft, Suzy, and Peter Beresford

⁴ United Nations International Children's Emergency Fund (UNICEF)



اعتبارات خرد

کلمه‌ی اعتبار^۱ در لغت به معنای اعتماد و تکیه کردن، قول، اطمینان، منزلت، و آبرو است. معنای اصطلاحی آن نیز عبارت است از اطمینانی که یک بانک یا مؤسسه به شخص ابراز می‌کند تا مبلغی از سرمایه‌ی خود را در اختیار او قرار دهد (یعقوبی ۱۳۸۴).

به دلیل آن که گرفتن وام و خدمات مالی نیاز به داشتن وثیقه، ضامن معتبر، یا داشتن حساب پس‌انداز دارد، در کشورهای درحال توسعه، افراد فقیر و محروم اجتماع، که وام‌گیرندگانی مخاطره‌آمیز و فاقد توان بازپرداخت اقساط محسوب می‌شوند، قادر به تهیه‌ی اعتبارات از مؤسسه‌های مالی رسمی و غیررسمی نیستند؛ بر این اساس، در دو دهه‌ی اخیر، در این کشورها، اعتبارات خرد نقشی حیاتی در کاهش فقر و افزایش دست‌رسی فقرا (خصوصاً زنان فقیر) به منابع مادی، که هر دو مقدمه و زمینه‌ساز توان‌مندسازی اند، ایفا کرده‌است. اعتبارات خرد در قالب شبکه‌هایی از افراد، که بیش‌ترین آشنایی و اعتماد را با یک‌دیگر دارند، شکل می‌گیرد و در این میان زن‌ها با تشکیل و عضویت در گروه وارد شبکه‌ها می‌شوند. مبالغ وام در این شبکه‌ها متفاوت است و بسته به نوع نیاز و توانایی بازپرداخت اعضا به افراد واگذار می‌شود. بانک جهانی دلایل توجه به پرداخت گروهی اعتبارات خرد را چنین بیان می‌دارد (افتخاری، عینالی، و سجاسی قیداری ۱۳۸۵):

- ۱- ضمانت گروهی اعضا؛
- ۲- نظارت گروهی بر مصرف اعتبار؛
- ۳- ترویج هم‌کاری و فعالیت گروهی؛
- ۴- افزایش قدرت ریسک؛
- ۵- استفاده‌ی بهتر از پتانسیل و منابع موجود گروه؛
- ۶- توان‌مندسازی گروهی؛
- ۷- ترویج برابری در تصمیم‌گیری و دست‌رسی به منابع.

اعتبارات خرد می‌توانند به وسیله‌ی افراد و سازمان‌های مختلف و نیز به شیوه‌های گوناگون واگذار شوند. *بختیاری* (۱۳۸۵) از کانون‌ها و انجمن‌های محلی^۲؛ تضمین بانکی^۳؛ تعاونی‌ها^۴؛ اتحادیه‌های اعتباری^۵؛ شیوه‌ی بانک گرامین^۶؛ سازمان‌های غیردولتی^۷؛ انجمن‌های

¹ Credit

² Associations and Community Banking

³ Bank Guarantee

⁴ Cooperative

⁵ Credit Union

⁶ Grameen Bank (www.grameen-info.org)

⁷ Non-Governmental Organisation (NGO)

اعتباری و پس انداز چرخشی^۱؛ واسطه‌های مالی^۲؛ و گروه‌های خودهم‌یار به عنوان مدل‌های اعتبارات خرد نام می‌برد.

پیشینه‌ی اعتبارات خرد

ارائه‌ی اعتبارات به کشاورزان کوچک، از میانه‌ی قرن نوزدهم میلادی با ایجاد شرکت‌های تعاونی اعتبار به وسیله‌ی *رافایزن*^۳ در آلمان آغاز شد و در اوایل سده‌ی بیستم در برخی از کشورهای درحال توسعه مانند هندوستان گسترشی زیاد یافت، ولی جنبش جدی یا به گفته‌ی *رابینسون*^۴، انقلاب اعتبارات خرد، با ایجاد گرامین بانک یا بانک دهکده در سال ۱۹۸۳ در بنگلادش اتفاق افتاد و در بسیاری از کشورهای درحال توسعه و حتی کشورهای توسعه‌یافته رواج یافت (عرب مازار و جمشیدی ۱۳۸۵).

بانک گرامین - بانکی خصوصی است که در اکتبر ۱۹۸۳ به عنوان یک گروه هم‌کاری تحت عنوان گرامین بانک، برای افزایش اعتبارات، منحصراً برای مردم فاقد زمین و زنان روستایی کشور (بنگلادش) تشکیل شد. واژه‌ی بنگالی گرامین به معنای روستایی است و این پروژه به وسیله‌ی دکتر محمد یونس^۵، استاد سابق اقتصاد در دانشگاه چیتاگونگ^۶، به اجرا درآمد. بانک گرامین شیوه‌ی بانک‌داری سنتی را با از میان برداشتن نیاز به وثیقه دگرگون کرد و نظام بانک‌داری مبتنی بر اعتماد و اطمینانی دوطرفه را بنا نهاد که پاسخ‌گویی، مشارکت، و خلاقیت ایجاد کرده‌است (حسن‌زاده و قویدل ۱۳۸۴). در گرامین بانک، اعتبار، تسریع‌کننده‌ی بهبود شرایط اجتماعی-سیاسی و وسیله‌ی مؤثر برای مبارزه با فقری است که فقرا را از سیستم بانکی بیرون نگاه می‌دارد.

طرح بنیاد توسعه تحقیق و عمل (فودرا)^۷ - فودرا در ۱۹۹۴، به عنوان سازمان حمایت توسعه‌ی غیرانتفاعی برای کمک و هم‌کاری با سازمان‌های غیردولتی و با هدف تحت پوشش قرار دادن وام‌گیرندگانی که در سطح مردم عادی اجتماع بودند، تأسیس شد و خواست تا با ظرفیت‌سازی در سطح مردم عادی، پروژه‌های پایدار را عملی، کنترل، و ارزیابی کند. مرکز پژوهش‌ها و فعالیت‌های عمرانی فودرا با ارائه‌ی سیاست‌های راه‌بردی بلندمدت و از طریق افزایش دستیابی و کنترل بر منابع مالی و ایجاد اطمینان خاطر و اعتماد به نفس در میان افراد محروم، به‌ویژه زنان، سعی می‌کند این قشر محروم و فقیر را

^۱ Rotating Saving and Credit Association

^۲ Intermediation

^۳ Raffeyen, Friederich

^۴ Robinson, Marguerite

^۵ Yunus, Mohammad

^۶ University of Chittagong, Hathazari, Chittagong, Bangladesh

^۷ Fountain of Development Research and Action (FODRA) (www.fodra.org.in)



توان‌مند کند و به همین منظور، در شکل‌دهی و تقویت گروه‌های خودیار و ایجاد ساز و کار اعتبارات خرد در میان زنان جوامع فقیر شهری، مشارکتی فعال داشته‌است (هادی‌زاده بزاز، ۱۳۸۲).

طرح پشتیبانی خدمات مالی خرد روستایی^۱ - هدف کلی این طرح، بهتر و آسان کردن دسترسی گروه‌های فقیر و جمعیت محروم روستایی به خدمات، خصوصاً خدمات مالی روستایی است و به‌جز اعطای اعتبار، شامل خدماتی دیگر مانند امکان پس‌انداز، سپرده‌گذاری، مشاوره‌ی مالی، و بیمه نیز می‌شود (سازمان ملی جوانان ۱۳۸۲). این طرح در راستای اشتغال‌زایی برای روستاییان زیر خط فقر، و با استفاده از اعتبارات خرد، حمایت صندوق بین‌المللی توسعه‌ی کشاورزی^۲، و بانک کشاورزی در چهار استان ایران (آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، و کردستان) انجام می‌گیرد.

پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام‌شده

مالهاترا، شولر، و بوئندر^۳ (۲۰۰۲) در پژوهشی با نام «اندازه‌گیری توان‌مندسازی زنان به عنوان متغیری در توسعه‌ی بین‌المللی»^۴، به بازبینی ۴۵ پژوهش درباره‌ی توان‌مندسازی زنان پرداخته‌اند و با بیان سطوح و ابعاد مختلف توان‌مندسازی زنان، به گسترش پایه‌های نظری و شاخص‌های توان‌مندسازی کمک کرده‌اند.

چودوری^۵ (۲۰۰۲) در پژوهشی با نام «نقش اعتبارات خرد در کاهش فقر: مطالعه‌ی بانک گرامین بنگلادش»^۶، با بررسی ۴۶ بخش در بنگلادش، نمونه‌گیری تصادفی، و مجموع ۱۲۹ پرسش‌نامه، به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته‌است. او متغیرهایی از جمله گزارش بیماری، مصرف مخارج پزشکی، میانگین فضای زندگی، مصرف غذا، کالاهای منزل، افزایش پس‌انداز، و مانند آن‌ها را در میان فعالان و غیرفعالان مقایسه کرده‌است.

اوماشانکار^۷ (۲۰۰۶) در پایان‌نامه‌ی دکتری خود با عنوان «توان‌مندسازی زنان: اثر مشارکت در گروه‌های خودهم‌یار»^۸، به بررسی مطالعات نظری و تجربی در مورد مشارکت زنان در گروه‌های هم‌یار مانند عضویت در شبکه‌های خرده‌وام‌دهی پرداخته و نتایج پژوهش‌های تجربی پژوهش‌گران و شاخص‌های توان‌مندسازی آنان را بیان کرده‌است.

^۱ Rural Micro-Finance Support Program (RMFSP)

^۲ International Fund for Agricultural Development (IFAD)

^۳ Malhotra, Anju, Sidney Ruth Schuler, and Carol Boender

^۴ "Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development."

^۵ Chowdhury, Mohammad Jahangir Alam

^۶ "The Role of Micro-Credit in Alleviation of Poverty: A Study of Grameen Bank in Bangladesh."

^۷ Umashankar

^۸ "Women's Empowerment: Effect of Participation in Self-Help Groups."

اکسال و بادن (۱۹۹۷) در پژوهشی با نام «توان‌مندسازی و جنسیت: تعاریف و روی‌کردها»^۱، به بررسی مفاهیم نظری و بیان نتایج تجربی پژوهش‌گران توان‌مندسازی پرداخته و شاخص‌های توان‌مندسازی مؤسسه‌های جهانی را نیز بیان کرده‌است.

هاشمی، شولر، و رایلی (۱۹۹۶، برگرفته از اوماشانکار ۲۰۰۶) برای اندازه‌گیری اثر برنامه‌ها بر توان‌مندسازی زنان، پژوهشی قوم‌شناسانه در شش روستا (دو روستای گرامین بانک؛ دو روستای BRAC^۲؛ و دو روستای بدون برنامه‌ی خرده‌اعتباری) و به مدت چهار سال انجام داده‌اند. نتایج پژوهش، امنیت اقتصادی؛ توانایی انجام خریدهای کوچک و بزرگ؛ درگیری در تصمیم‌های اساسی منزل؛ آزادی نسبی از سلطه‌ی درون خانواده؛ آگاهی‌های قانونی-سیاسی؛ و هم‌کاری‌های سیاسی و اعتراضات (ویلیامز ۲۰۰۵؛ اوماشانکار ۲۰۰۶) را از جمله اثرات حضور در شبکه‌های واگذاری اعتبارات خرد می‌داند.

ماسون و اسمیت (۲۰۰۳) در پژوهشی با نام «توان‌مندسازی زنان در سطح اجتماعات»^۳، با بررسی ۵۶ اجتماع (در پاکستان، هند، مالزی، تایلند، و فیلیپین) و با تأکید بر نقش هنجارهای اجتماعی به عنوان عاملی بسیار مهم در تعیین سطح توان‌مندی اجتماعی، به این نتیجه می‌رسند که توان‌مندسازی درون و از طریق اجتماع، از توان‌مندسازی در خانواده و به طور فردی مؤثرتر است.

نگین (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «نقش تأمین مالی خرد در کاهش فقر»، با تأکید بر نقش اعتبارات خرد در کاهش فقر و حفظ سطح مصرف افراد، به ریسک‌هایی که خانواده با آن روبه‌رو است و نقش تأمین مالی خرد برای مقابله با این ریسک‌ها می‌پردازد. کتابی، *بیردخواستی، و فرخی راستایی* (۱۳۸۲) در پژوهشی پیمایشی در شهر اصفهان با عنوان «توان‌مندسازی زنان برای مشارکت در توسعه» نشان می‌دهند عواملی هم‌چون افزایش تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار، و حذف باورهای سنتی، از جمله عوامل مؤثر در توان‌مندسازی زنان است.

اخلاص‌پور و زند رضوی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه‌ی شبکه‌های خرده‌وام‌دهی و توان‌مندسازی زنان روستایی: مطالعه‌ی موردی روستای پشت‌رود بم»، با استفاده از روش‌های کیفی^۴، به بررسی چه‌گونه‌ی شکل‌گیری صندوق زنان پشت‌رود و اثرات حضور زنان در شبکه‌های خرده‌وام‌دهی بر توان‌مندسازی زنان پرداخته‌اند.

^۱ "Gender and Empowerment Definitions, Approaches, and Implications for Policy."

^۲ Bangladesh Rural Advancement Committee (BRAC)

^۳ "Women's Empowerment and Social Context: Results from Five Asian Countries."

^۴ Qualitative Methods



در پژوهش‌های دیگر نیز دیار^۱ و هم‌کاران (۲۰۰۶) به نابرابری جنسیتی و خرده اعتبارات؛ رنکین^۲ (۲۰۰۲) به رابطه‌ی اعتبارات خرد و سرمایه‌ی اجتماعی؛ اسمن^۳ (۲۰۰۳) به سرمایه‌ی اجتماعی و توان‌مندسازی؛ و بهات^۴ (۲۰۰۲) به توان‌مندسازی زنان در هند پرداخته‌اند.

معرفی صندوق خرده‌وام‌دهی زنان روستای پشت‌رود

خلاص‌پور و زند رضوی (۱۳۸۵) در مورد چه‌گونگی تشکیل صندوق خرده‌وام‌دهی زنان روستای پشت‌رود بم پژوهشی انجام داده‌اند:

پس از زلزله‌ی ۵ دی ۱۳۸۲، شهر بم و بروات و ۱۲ روستای پیرامون آن به‌شدت آسیب دیدند و بسیاری از خانوارها منابع درآمدی خود را از دست دادند. پشت‌رود یکی از بزرگ‌ترین روستاهای آسیب‌دیده در جریان زلزله ۵ دی ماه است. منابع اصلی درآمد مردم این روستا، که دارای ۲۳۰۰ نفر جمعیت است و بیش از ۸۰۰ نفر آن کشته شدند، کشاورزی و دام‌داری است و مهم‌ترین تولید کشاورزی نیز خرما است، که در جریان زلزله آسیب ندیده‌است. بیش‌تر مردم روستا فاقد باغ‌اند و در باغ‌های دیگران کار می‌کنند. داده‌های حاصل از پیمایش ۱۰۰۰ خانواری سازمان جهانی بهداشت^۵ نشان می‌دهد که ۵۰ درصد پاسخ‌گویان فاقد باغ و زمین‌اند و بیش از نیمی از صاحبان باغ نیز مالکیت کم‌تر از ۵۰ اصله خرما را به عهده دارند. بسیاری از خانواده‌های کم‌درآمد با ترکیبی از فعالیت‌های مختلف مانند کارگری، دام‌داری، و حمایت‌های کمیته‌ی امداد به گذران زندگی می‌پردازند و دام‌داری به عنوان یک منبع درآمدی تکمیلی و مهم به حساب می‌آید (همان).

برای انجام پروژه‌ی خرده‌وام‌دهی، در ابتدا با استفاده از پرسش‌نامه و روش پار^۶ فعالیت‌های زنان در منطقه شناسایی شد^۷ و با توجه به این که زنان یک عنصر اقتصادی فعال در پشت‌رود‌اند، پروژه‌ی خرده‌وام‌دهی با هدف ترمیم و بازسازی وضعیت اشتغال قبل از زلزله و افزایش درآمد خانوارهای با سرپرست زن پیشنهاد شد.

^۱ Dyar, Cindy, Patrice Harduar, Cynthia Koenig, and Gabriela Reyes

^۲ Rankin, Katharine N.

^۳ Esmen, Milton J.

^۴ Bhat, Rashmi

^۵ World Health Organization (WHO)

^۶ Participatory Action Research (PAR)

^۷ توان‌مندسازی و تغییر اجتماعی از اهداف و برابری در قدرت و میزان کنترل از ارزش‌های اساسی پار است (مارینکوویتز ۲۰۰۳).

^{*} Marincowitz, Gert J. O.

در مراحل اولیه‌ی روش انتخاب افراد نیازمند وام، با استفاده از روش ارزیابی مشارکتی و با کمک ۴۵ زن، شاخص فقر تعریف شد و سپس هشت زن برای دریافت وام انتخاب شدند. در مراحل بعدی، با تشکیل نشست‌ها و افزایش خواستاران وام، از اعضای صندوق خواسته شد که به صورت گروه‌های ۱۵ تا ۲۵ نفره، به گونه‌ی دسته‌بندی شوند که اعضای هر گروه از بیش‌ترین منافع مشترک و آشنایی با یک‌دیگر برخوردار باشند تا از این طریق بتوانند با مشارکت یک‌دیگر، اعضای دارای اولویت را برای دریافت وام به صندوق معرفی کنند. اعضای گروه‌ها هر هفته در یک محل (مرکز فرهنگی پشت‌رود) گرد هم می‌آیند و با استفاده از پس‌انداز منظم هفتگی (که معمولاً مبلغی معادل ۲۰۰ هزار تومان تا ۳۰۰ هزار تومان است)، وام‌های کوچک ۵۰ هزار تومانی را بر پایه‌ی سه قاعده‌ی قرعه‌کشی، میزان پس‌انداز افراد، و نیاز فوری، توزیع می‌کنند و سپس با اعلام اسامی افراد دارای اولویت، وام بزرگ برای اشتغال را از صندوق درخواست می‌کنند. منابع مالی وام‌های بزرگ‌تر (۸۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومانی) از کمک‌اهدایی یک مؤسسه‌ی خیریه‌ی بین‌المللی^۱ و حق عضویت افراد تأمین می‌شود (همان).

به دلیل آن که مفهوم کار گروهی، ضمانت دوجانبه، و بسیاری از مفاهیم پروژه‌ی خرده‌وام‌دهی برای زنان عضو صندوق روشن نبود، چند برنامه‌ی آموزشی، همراه با یک ارزیابی مشارکتی از فعالیت‌های پروژه‌ی خرده‌وام‌دهی برای سرگروه‌ها و سپس برای اعضای گروه برگزار شد (مجموعاً ۲۸۳ زن در این ارزیابی شرکت کردند) (همان). مقدار و شیوه‌ی بازپرداخت وام‌ها در خرداد ماه ۱۳۸۶ (زمان انجام پژوهش) به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱- وام‌های صندوق زنان پشت‌رود ب

مقدار وام تومان	حق عضویت تومان	زمان بازپرداخت	مبلغ بازپرداخت هفتگی تومان	دوره‌ی بازپرداخت	کارمزد تومان
۵۰'۰۰۰	ندارد	هفتگی	۱'۰۰۰	۵۰ هفته	ندارد
۱۰۰'۰۰۰	۷'۵۰۰	پایان دوره	—	شش ماه	ندارد
۱۰۰'۰۰۰	۱۵'۰۰۰	پایان دوره	—	یک سال	ندارد
۲۰۰'۰۰۰	۱۵'۰۰۰	پایان دوره	—	شش ماه	ندارد
۲۰۰'۰۰۰	۳۰'۰۰۰	پایان دوره	—	یک سال	ندارد
۳۰۰'۰۰۰	۲۰'۰۰۰	هفتگی	۵'۱۰۰	۶۱ هفته	۱۳'۵۰۰
۵۰۰'۰۰۰	۲۰'۰۰۰	هفتگی	۷'۵۰۰	۷۰ هفته	۲۵'۰۰۰
۷۰۰'۰۰۰	۲۰'۰۰۰	هفتگی	۱۰'۰۰۰	۷۳ هفته	۳۵'۰۰۰

^۱ سازمان امداد بین‌المللی (Relief International) در سال ۱۳۸۳ مبلغی در حدود ۲۰ میلیون تومان را برای پایه‌گذاری صندوق به پروژه اهدا کرد.



چهارچوب نظری پژوهش

چهارچوب نظری این پژوهش، دیدگاه توان‌مندسازی است، که به‌کارگیری واژه‌ی آن با جنبش‌های میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۷۰ شروع شد (ستروم کوئیست^۱ ۱۹۹۵) و در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۸۰ در توسعه رونق گرفت (باتلیوالا^۲ ۱۹۹۴). بانک جهانی^۳ (۲۰۰۲) در تعریف توان‌مندسازی می‌گوید توان‌مندسازی روندی است که ظرفیت افراد یا گروه‌ها را برای انتخاب بالا می‌برد و انتخاب‌ها را به سمت نتایج و اعمال مطلوب متمایل می‌سازد. توان‌مندسازی، روند افزایش سرمایه‌ها و ظرفیت‌های فردی یا گروهی است، که موجب انتخاب‌های هدفمند و تبدیل این انتخاب‌ها به نتایج و اعمال مطلوب می‌شود.

یکی از ملاک‌های مهم توان‌مندسازی، قدرت تصمیم‌گیری افراد در حوزه‌ی اقتصادی است؛ زیرا اعطای اعتبارات، با ویژگی‌هایی نظیر عدم نیاز به وثیقه و بازپرداخت طولانی، به گروه‌های خاص، از جمله زنان، که عموماً به حاشیه‌ی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی رانده می‌شوند، امکان حضور در عرصه‌ی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را می‌دهد و این امر و پی‌آمدهای آن ما را وارد بحث قدرت‌بخشی (توان‌مندسازی) می‌کند.

دیدگاه توان‌مندسازی با مباحث نظری لانگه^۴ گسترش یافت. به اعتقاد او برای توان‌مندسازی زنان باید پنج مرحله طی شود:

۱- رفاه^۵ - این مرحله نیازهای اساسی زنان را بدون شناخت یا تلاش برای حل مشکلات زیربنایی و ساختاری، که تهیه‌ی خدمات مالی و رفاهی را مشکل می‌سازد، مطرح می‌کند. در این مرحله زنان صرفاً افراد غیرفعال- برخوردار از مزایای رفاه اند (یونیسف ۱۹۹۴، برگرفته از اوکسال و بادن ۱۹۹۷).

۲- دسترسی^۶ - برابری دسترسی به منابعی مانند فرصت‌های آموزشی، زمین، و اعتبارات، برای پیشرفت زنان حیاتی است. زمانی که زنان تشخیص دهند کمبود دسترسی به منابع، مانع رشد و رفاه است و برای جبران آن تلاش کنند، مسیر توان‌مندسازی آغاز می‌شود (همان). بحث‌های نظری در زمینه‌ی اهمیت دسترسی زنان به منابع و هم‌زمان شدن این بحث‌ها با دهی که سازمان ملل آن را دهه‌ی کاهش فقر در جهان نامید، سبب شد که صاحب‌نظران دو ره‌یافت را برای توان‌مندسازی ارائه دهند:

¹ Stromquist, Nelly P.

² Batliwala, Srilatha

³ World Bank

⁴ Longwe, Sara Hlupekile

⁵ Welfare

⁶ Access

۱- **ره‌یافت کارآفرینی** - در این ره‌یافت، دسترسی به اعتبار برای زنانی که توان کارآفرینی دارند امکان‌پذیر می‌شود. ایجاد اشتغال برای خود و یا فراهم آوردن فرصت‌های شغلی برای دیگران، افزون بر درآمدزایی، از اهداف این ره‌یافت است. زنانی که به این ترتیب به اعتبار دسترسی می‌یابند، به فعالان اقتصادی در بخش خصوصی اضافه می‌شوند (دیپیم و وهابی ۱۳۸۲).

ب- **ره‌یافت حمایتی** - در این ره‌یافت، دسترسی به اعتبار، لزوماً به معنای کار مولد نیست و امکان دسترسی زنان به اعتبار، با هدف کاهش فقر و به اندازه‌ی که دست‌کم زنان فقیر توان بازپرداخت آن را داشته‌باشند، صورت می‌گیرد (همان).

۳- **افزایش آگاهی^۱** - برای سوق دادن اعمال زنان به سمت از میان برداشتن شکاف یا نابرابری جنسیتی، دانستن این مسأله که مشکلات زنان از ساختارهای موروثی و تبعیض‌های ساختاری ناشی می‌شود و این خود ایشان اند که باعث بازتولید زمینه‌های محدودکننده رشدشان می‌شوند، ضروری است (یونیسف ۱۹۹۴، برگرفته از اوکسال و بادن ۱۹۹۷).

۴- **مشارکت^۲** - منظور، مشارکتی است که در آن زن‌ها به طور برابر با مردان تصمیم‌گیری می‌کنند. زنان با سازمان‌دهی خودشان در کارهای جمعی، که منجر به افزایش قدرت و در نتیجه کنترل بیشتر می‌شود، توانمند خواهند شد (همان).

۵- **کنترل^۳** - سطح‌نهایی برتری و توان‌مندسازی است و در آن، تعادل قدرت بین زنان و مردان، و نه سلطه‌ی زنان، مورد نظر است. در این مرحله، هم‌کاری زنان کاملاً آگاهانه است و زنان قادر اند نقشی فعال را در روند توسعه‌ی زندگی خود و خانواده‌شان ایفا کنند (همان).

مایوکس^۴ (۲۰۰۰)، توان‌مندسازی را روند چندبعدی و درهم‌ادغام‌شده‌ی تغییر روابط قدرت می‌داند و سه پارادایم^۵ (الگو یا نمونه) کاهش فقر^۶، خودکفایی مالی^۷، و توان‌مندسازی فمینیستی^۸ را به طور خاص در مورد رابطه‌ی خرده‌اعتبارات و توان‌مندسازی مطرح می‌کند. مایوکس توان‌مندسازی را مختص آسیب‌پذیرترین و محروم‌ترین افراد در حوزه‌ها و سطوح مختلف می‌داند و معتقد است توان‌مندسازی، بخشی از یک فرآیند اجتناب‌ناپذیر مذاکره است که اولویت‌ها و راه‌بردهایی اساسی را در مورد موضوعات فرآیند توان‌مندسازی (یعنی زنان و برنامه‌های خرده‌اعتباری) تعریف می‌کند (مایوکس ۱۹۹۷). از نظر مایوکس، دسترسی برابر زنان

¹ Awareness Raising

² Participation

³ Control

⁴ Mayoux, Linda

⁵ Paradigm

⁶ Poverty Alivation Paradigm

⁷ Financial Self Sustainability Paradigm

⁸ Feminist Empowerment Paradigm



به خرده‌اعتبارات، به عنوان پی‌آمد حقوق بشر نگریده می‌شود و در خلال برنامه‌های توان‌مندسازی، می‌توان از دو طریق به مدیریت مشارکتی دست یافت؛ اول تشکیل گروه، و سپس انجام گفت‌وگوهای مشارکتی با گروه‌های زنان. زنان در گروه‌ها، افزون بر استفاده از اعتبارات خرد، از تبادل اطلاعات و افزایش اعمال نفوذ نیز بهره می‌برند (مایوکس ۲۰۰۰). مایوکس در الگوهای خود به هر سه سطح تجزیه و تحلیل توجه داشته‌است و از نگاه وی، پارادایم کاهش فقر، در سطح خرد؛ پارادایم خودکفایی مالی در سطح میانی؛ و پارادایم توان‌مندسازی فمینیستی در سطح کلان جای دارند (همان).

۱- پارادایم کاهش فقر- در این پارادایم، که زیربنای برنامه‌های هدف‌مند فقر را تشکیل می‌دهد، تأکید اصلی بر کاهش فقر در میان فقیرترین افراد، افزایش رفاه، و توسعه‌ی اجتماعات^۱ است. این پارادایم، بعضی سطوح کمک مالی را برای کار با گروه‌های مشتری خاص یا در زمینه‌ها و شرایط خاص موجه می‌داند و تمرکز آن روی پس‌اندازها و وام‌های کوچکی است که برای تولید، مصرف، شکل‌گیری گروه‌ها، و مانند آن فراهم می‌شود. بعضی از برنامه‌های این پارادایم در پی گسترش روش‌های مؤثر برای هدف قرار دادن فقر یا عمل در مناطق دورافتاده اند. استدلال گروه‌های منتقد^۲ جنسیتی این است که زنان به خاطر سطح بالای فقر زنانه و نیز به خاطر مسئولیت‌شان برای رفاه خانگی، هدف این برنامه‌ها قرار داده شده‌اند، زیرا کاهش فقر و توان‌مندسازی زنان به عنوان دو روی یک سکه دیده می‌شود. فرض است که افزایش دسترسی زنان به تأمین مالی خرد (همراه با دیگر مداخلات برای بهبود رفاه خانگی)، به وسیله‌ی افزایش درآمد خانگی، بهبود رفاه، و اختیار دادن به زنان، سبب تغییراتی وسیع در برنامه‌های جنسیتی شود (همان).

۲- پارادایم خودکفایی مالی- این پارادایم در حال حاضر گونه‌ی غالب درون بیش‌تر نگاه‌های وام‌دهنده و مدل‌های حمایت‌های تأمین مالی خرد اعلام‌شده به وسیله‌ی USAID^۳، UNDP^۴، CGAP^۵، بانک جهانی، و اجلاس سران خرده‌وام‌دهی^۶ است. تأکید اساسی این پارادایم روی برنامه‌هایی است که سرویس‌های تأمین مالی خودکفا را برای تعداد زیادی از مردم فقیر و خصوصاً برای کارآفرینان^۷ (در سطح) خرد و کوچک فراهم می‌کند. در این پارادایم فرض می‌شود که افزایش دسترسی زنان به سرویس‌های مالی خرد، منجر به توان‌مندی اقتصادی فردی، افزایش رفاه، و توان‌مندسازی سیاسی و اجتماعی می‌شود (همان).

¹ Community Development

² Lobbies

³ United States Agency for International Development (USAID)

⁴ United Nations Development Programme (UNDP)

⁵ Consultative Group to Assist the Poor (CGAP)

⁶ Microcredit Summit Campaign

⁷ Entrepreneurs

جدول ۲- پارادایم‌های توان‌مندسازی مایوکس (۶:۲۰۰۰)

نوع پارادایم	کاهش فقر	خودکفایی مالی	توان‌مندسازی فمینیستی
گسترش زیربنایی	کاهش فقر و توسعه‌ی اجتماعات، به طور مداخله‌جویانه	رشد بازرگانی نئولیبرال	نقد فمینیست‌های سوسیالیست و ساختارگرا از سرمایه‌داری
راه‌برد	خرده‌اعتبارات به عنوان بخشی از یک برنامه‌ی منسجم برای کاهش فقر و آسیب‌پذیری و افزایش رفاه برای فقیرترین خانواده‌ها	ایجاد برنامه‌های خرده‌اعتباری، خودکفایی مالی، که دست‌رسی به خدمات خرده‌اعتباری را برای تعداد زیادی از مردم از جمله زنان افزایش می‌دهد.	خرده‌اعتبارات راهی است برای توان‌مندسازی سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی زنان
ابزارها	اهمیت خرده‌اعتبارات و تهیه‌ی و گسترش اجتماعات، روش‌هایی برای هدف قرار دادن و اداره کردن فقر در مناطق دورافتاده	به کار انداختن نرخ سود برای تأمین هزینه‌ها، جدایی خرده‌اعتبارات از دیگر مداخلات اقتصادی	آگاهی جنسیتی و سازمان‌دهی فمینیستی
چرا زنان	به دلیل سطح بالای فقر زنانه و مسئولیت‌های زنان برای رفاه خانگی	کمک فعالیت اقتصادی زنان به رشد اقتصادی	برابری جنسیتی و حقوق بشر
تحدید توان‌مندسازی	افزایش رفاه، توسعه‌ی اجتماعات، و خودکفایی	توان‌مندی اقتصادی، گسترش انتخاب‌های فردی، ظرفیت‌سازی برای اعتمادبه‌نفس	تغییر روابط قدرت در جامعه
تحدید توسعه‌ی پایدار	تأسیس نهادهایی در سطح شراکت محلی برای اجتماعات طولانی‌مدت، مستقل، و خودمختار برای فقرا	برنامه‌های خودکفایی مالی	توسعه‌ی سازمان‌های زنان با مشارکت خودجوش و مرتبط با جنبش‌های وسیع زنان برای تغییر روابط جنسیتی
تحدید مشارکت	مشارکت به خودی خود اهمیت دارد و مهارت‌ها را از طریق مشورت در تصمیم‌گیری، تشکیل گروه برای توسعه‌ی اجتماعات و توسعه‌ی سازه‌ی نهایی، که به مردم تعلق دارد و خودشان مدیریت می‌کنند، افزایش می‌دهد.	مشارکت به عنوان وسیله‌ی برای افزایش کفایت از طریق مذاکره برای ارتباطات بازرگانی، تشکیل گروه‌های هم‌یار برای کاهش قیمت تحویل خدمات، و مشارکت در تصمیم‌گیری برای افزایش مسئولیت، تعهد، و نوآوری	مشارکت به خودی خود هدف است و زنان را قادر می‌سازد علایق جمعی خود و سازمان‌ها را برای تغییر روابط قدرت، به طور رسا بیان کنند.
فرضیه‌های اساسی	توان‌مندسازی زنان، کاهش فقر سطح خانگی و توسعه‌ی اجتماعات، اقدامی ذاتاً جمعی است. افزایش رفاه و تشکیل گروه‌ها، به طور خودکار زنان را قادر می‌سازد تا خود را توان‌مند سازند.	افزایش دست‌رسی زنان به خرده‌اعتبارات بدون مداخله‌ی هم‌زمان و یا تغییر در برنامه‌ی رشد کلان اقتصادی، به طور خودکار منجر به توان‌مندسازی اقتصادی می‌شود.	توان‌مندسازی زنان به تغییرات پایه‌یی در برنامه‌ی توسعه‌ی سطح کلان نیاز دارد. همان طور که حمایت‌های ضمنی برای زنان لازم است تا انقیاد جنسی در سطح خرد را به چالش بکشاند.

۳- پارادایم توان‌مندسازی فمینیستی- اثرات نفوذ جنسیتی برنامه‌های خرد، زیربنایی سیاست‌های جنسیتی بسیاری از NGOها و دیدگاه پژوهش‌گران و مشاوران را تشکیل می‌دهد. در این پارادایم، که برابری جنسیتی و حقوق انسانی زنان زیربنای آن است، تأمین



مالی خرد به عنوان مدخل راهبردهای وسیع توانمندسازی سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی زنان مورد حمایت قرار می‌گیرد (همان). در این پارادایم، که تمرکز آن بر آگاهی‌های جنسیتی درون برنامه‌ها، سازمان‌دهی زنان و مردان، و به چالش کشاندن و تغییر تبعیض‌های جنسیتی است، برخی در پی قانونی کردن حمایت از حقوق زنان اند (همان). چهارچوب نظری این پژوهش، که آمیزه‌یی از کارهای پژوهش‌گران پیشین با تأکید بر کار مایوکس است، به سه سطح خرد، میانی، و کلان تقسیم می‌شود؛ به گونه‌یی که در سطح خرد با توانمندسازی اقتصادی؛ در سطح میانی با توانمندسازی اجتماعی و روانی؛ و در سطح کلان با توانمندسازی فرهنگی و سیاسی^۲ روبه‌رو ایم (جدول ۳).

جدول ۳- رابطه‌ی ابعاد و سطوح توانمندسازی با پارادایم‌های توانمندسازی

سطوح توانمندسازی	ابعاد توانمندسازی	پارادایم‌های توانمندسازی و خرده‌اعتبارات	تمرکز اصلی بر مرحله
سطح خرد	اقتصادی	کاهش فقر	رفاه
سطح میانی	اجتماعی و روانی	خودکفایی مالی	دسترسی و مشارکت
سطح کلان	فرهنگی و سیاسی	توانمندسازی فمینیستی	آگاهی و کنترل

فرض پژوهش بر این است که اعتبارات خرد توانایی تأثیر بر سطوح خرد و میانی (ابعاد اقتصادی، اجتماعی، روانی) را دارند، اما رسیدن به سطح کلان توانمندسازی با اعتبارات خرد امکان‌پذیر نیست.

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از پیمایش (از ۵۰ درصد جامعه‌ی آماری یا ۱۰۸ نفر) اعضای صندوق زنان روستای پشت‌رود بم به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و در مجموع صندوق زنان روستای پشت‌رود بم با ۲۱۰ عضو، که در ۱۷ گروه گرد هم آمده‌اند، در حال انجام فعالیت است. نمونه‌گیری از جامعه‌ی آماری، متناسب با حجم هر گروه بوده‌است؛ به این ترتیب که ابتدا لیستی از تمامی اسامی و گروه‌ها تهیه شد و بعد از تعیین فعالان و غیرفعالان (با شاخص‌های حضور منظم در نشست‌های هفتگی، بازپرداخت‌های منظم، و مشارکت در کارهای گروهی)، از هر گروه، نمونه‌ها (۵۰ درصد فعالان و ۵۰ درصد غیرفعالان) به روش نظام‌مند انتخاب شدند.^۳

^۱ Discriminations

^۲ لازم به گفتن است که در این پژوهش توانمندسازی سیاسی مد نظر نیست.

^۳ به دلیل کم بودن تعداد جامعه‌ی آماری، حجم نمونه ۵۰ درصد تعیین شد (دواردز و هم‌کاران، ۱۳۸۱).

^۴ Edwards, Jack E., Marie D. Thomas, Paul Rosenfeld, Stephanie Booth-Kewley

پس از توزیع پرسش‌نامه بین ۱۰ درصد جمعیت نمونه (به عنوان پیش‌آزمون)، رفع اشکال‌های پرسش‌نامه، و تعیین ضریب آلفای کرون‌باخ و کسب اطمینان از روایی^۱ و پایایی^۲ پرسش‌نامه، اجرای نهایی آن انجام شد. در اجرای نهایی، که روایی شاخص‌ها بر حسب آلفای کرون‌باخ بالای ۷۰ درصد بود، نتایج تحلیل عاملی^۳ نشان داد که گویه‌های تعیین‌شده برای هر شاخص، توانایی تشکیل عامل‌ها را دارند. همچنین شاخص‌های اعتماد (تعمیم‌یافته، نهادی، و بین‌شخصی)، هنجار، و مشارکت نیز توانایی تشکیل عامل سرمایه‌ی اجتماعی را دارند و می‌توان آن‌ها را تحلیل عاملی کرد.

جدول ۴- شاخص‌های پژوهش

ابعاد توان‌مهندسازی	شاخص کلی	شاخص جزئی	تعریف عملیاتی
اجتماعی	مشارکت اعتماد	مشارکت ذهنی بین‌شخصی	گرایش و نگرش ذهنی افراد به انجام گروهی کارها باور به رفتاری که پاسخ‌گو در برخورد با اعضای صندوق و آشنایان انتظار دارد باور به رفتاری که پاسخ‌گو در برخورد با کسانی که نمی‌شناسد انتظار دارد
	هنجار عمل متقابل	صداقت و راستی مسئولیت‌پذیری پایبندی به قول و قرار تک‌روی تقلب و کلاه‌برداری هم‌کاری برای حل مشکل	اعتماد به سازمان‌ها و نهادهایی مانند شورای روستا، فرمانداری، نیروی انتظامی، و دولت، و اصنافی هم‌چون معلمان، پزشکان، بنگاهداران، کشاورزان، روحانیت، و کارگرها
اقتصادی	داشتن پس‌انداز حل مشکلات مالی افزایش رفاه		داشتن دفترچه‌ی پس‌انداز ۵۰ هزار تومانی در صندوق شیوه‌ی مصرف وام‌ها تعداد وام‌های گرفته از صندوق و شیوه‌ی مصرف آن
فرهنگی	تقسیم‌اجرائی کار منزل	کارهای دائمی و روزمره اجرای امور مالی منزل (نه تصمیم‌گیری مالی)	پختن غذا؛ شستن ظرف و لباس؛ جمع‌آوری علوفه برای دام؛ کار در مزرعه؛ برداشت خرما؛ شیردوشی خرید وسایل منزل؛ خرید و فروش محصول یا دام؛ رسیدگی به وام‌های منزل و بازپرداخت‌ها قدرت تصمیم‌گیری فرد بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی منزل
روانی	احساس حیات اجتماعی احساس بی‌قدرتی		احساس امیدواری (سرزندگی؛ ناامیدی؛ دل‌مردگی) احساس فرد نسبت به میزان کنترل بر روند زندگی شخصی و اجتماعی خود و سایرین

¹ Validity² Reliability³ Factor Analyse



برای تحلیل نتایج، از آمارهای توصیفی، شامل فراوانی، میانگین، درصد، جداول تک‌بعدی، و نمودارها استفاده شد و در آمار استنباطی نیز جداول دوبعدی، ضریب هم‌بستگی^۱، آزمون یو-من-ویتنی^۲ (برای مقایسه‌ی دو گروه)، و برازش^۳ برای تبیین قدرت پیش‌بینی متغیرهای مستقل پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، که بر روی ۵۰ درصد (برابر با ۱۰۸ عضو) اعضای صندوق زنان روستای پشت‌رود بم اجرا شد، دامنه‌ی سنی پاسخ‌گویان بین ۱۲ تا ۶۲ سال است و ۶۷ درصد آنان بین ۲۲ تا ۴۲ سال دارند. ۸۵/۲ درصد پاسخ‌گویان همسر دار اند و به طور رسمی ۸/۳ زنان، سرپرست خانوار اند، اما به دلیل آن که بسیاری از مردان بر اثر آسیب‌های زلزله دچار آسیب‌دیدگی طولانی‌مدت شده‌اند و هم‌چنین در حدود نیمی از مردان به مواد مخدر اعتیاد دارند، عملاً سرپرستی این خانوارها بر عهده‌ی زنان است و بدین جهت آمار زنان سرپرست خانوار افزایش می‌یابد. بازپرداخت وام ۴۶/۷ درصد پاسخ‌گویان، هفتگی، ۲۵ درصد هر دو یا سه هفته، و ۷/۴ درصد سالانه است. ۷۱/۳ درصد اعضا نیز دفترچه‌ی پس‌انداز ۵۰ هزار تومانی دارند.

۲۱/۳ درصد همسران پاسخ‌گویان، بنا یا کارگر، ۱۵/۷ درصد کشاورز، و ۱۳ درصد نیز دارای شغل آزاد اند. همان‌طور که دیده‌می‌شود، بیش از نیمی از مردان دارای مشاغل آتیه‌دار نیستند و در بازار کار رسمی، جای‌گاهی دائمی و تأمین‌شده ندارند. ۸۹/۸ درصد وام‌های گرفته‌شده مفید ارزیابی شد و ۸/۳ درصد وام‌ها هدر رفت، که در بیان دلایل آن می‌توان به مرگ‌ومیر دام‌ها و از بین رفتن وسایل مغازه در برابر آفتاب و فروش نرفتن آن‌ها اشاره کرد.

جدول ۵ نشان می‌دهد ۳۸ درصد پاسخ‌گویان، خانه‌دار، ۲۸/۸ درصد دام‌دار و کشاورز، و ۱۷/۶ درصد به کارهایی مانند رشته‌بری، آرایش‌گری، و خیاطی در منزل مشغول اند. هیچ یک از زنان، کار رسمی در بازار کار ندارند و همین امر نبود امنیت اقتصادی آنان را تشدید می‌کند.

هر یک از اعضا، بر پایه‌ی نیاز و توانایی بازپرداخت، از یک یا چند نوع از وام‌های صندوق استفاده کرده‌اند. ۷۸/۷ درصد پاسخ‌گویان، وام ۵۰ هزار تومانی را، که بیش‌ترین محل

¹ Coefficient of Correlation

² Mann-Whitney U Test

³ Regression Analysis

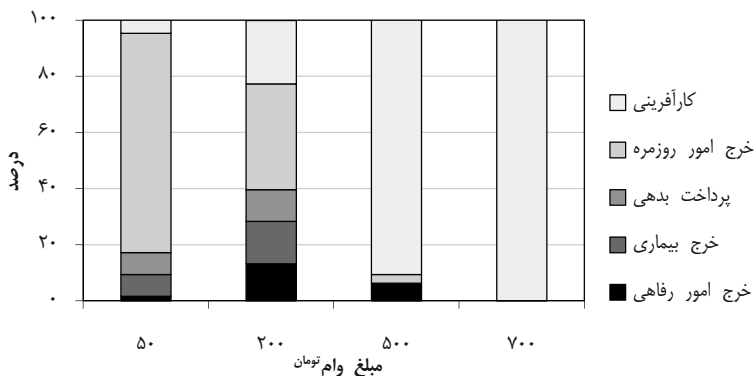
مصرف آن، خرجی و خرید وسایل روزمره‌ی منزل بوده‌است، مورد استفاده قرار داده‌اند. این وام به دلیل کم بودن مبلغ آن، فاقد کارایی برای کارآفرینی است.

جدول ۵- پراکندگی وضع فعالیت پاسخ‌گویان

شغل زن	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خانه‌دار	۴۲	۴۰٫۴	۴۰٫۴
کشاورز/ دام‌دار	۳۰	۲۸٫۸	۶۹٫۲
دانش‌آموز/ دانشجو	۱	۱٫۰	۷۰٫۲
رشته‌بری/ آرایش‌گری/ خیاطی	۱۹	۱۸٫۳	۸۸٫۵
مغازه‌دار	۴	۳٫۸	۹۲٫۳
نانوا	۲	۱٫۹	۹۴٫۲
سرای‌دار مدرسه	۲	۱٫۹	۹۶٫۲
مربی مهدکودک	۱	۱٫۰	۹۷٫۱
سایر	۳	۲٫۹	۱۰۰٫۰
جمع	۱۰۴	۱۰۰٫۰	

جدول ۶- پراکندگی شیوه‌ی مصرف وام‌ها

مصرف وام	مبلغ وام تومان			
	۷۰۰ هزار	۵۰۰ هزار	۲۰۰ هزار	۵۰ هزار
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کارآفرینی (خرید دام و لوازم کار)	۳	۴٫۷	۱۲	۲۲٫۶
خرج امور روزمره	۵۰	۷۸٫۱	۲۰	۳۷٫۷
پرداخت بدهی	۵	۷٫۸	۶	۱۱٫۳
خرج بیماری	۵	۷٫۸	۸	۱۵٫۱
خرج امور رفاهی	۱	۱٫۶	۷	۱۳٫۲
جمع	۶۴	۱۰۰٫۰	۵۳	۱۰۰٫۰



نمودار ۱- شیوه‌ی مصرف وام‌ها



۵۸ درصد پاسخ‌گویان، وام ۲۰۰ هزار تومانی دریافت کرده‌اند، که ۲۱/۰ درصد آن صرف کارآفرینی شده‌است؛ ۳۲/۰ درصد پاسخ‌گویان وام ۵۰۰ هزار تومانی دریافت کرده‌اند، که ۶۲/۰ درصد صرف خرید دام و ۲۸/۱ درصد صرف خرید وسایل کار شده‌است؛ و ۱۸/۹ درصد پاسخ‌گویان نیز وام ۷۰۰ هزار تومانی دریافت کرده‌اند، که صد در صد این وام صرف خرید دام شده‌است.

همان‌طور که جدول ۷ نشان می‌دهد، تفاوت موجود در مشارکت اعضای فعال و غیرفعال، از لحاظ آماری با آزمون یو من-ویتنی معنادار است (با توجه به قدر مطلق نمره‌ی Z، که بیش از ۱/۹۶ است، و درجه‌ی معناداری ۰/۰۲۳، که کم‌تر از ۰/۰۵ است، فرض تفاوت مشارکت مورد پذیرش قرار می‌گیرد). ۱۰۰ درصد مشارکت فعالان، زیاد و بسیار زیاد تشخیص داده شده‌است؛ حال آن‌که ۱۷/۶ درصد غیرفعالان، مشارکتی متوسط را ابراز کرده‌اند. در پژوهش‌های مایوکس (۱۹۹۷)، رحمان (۱۹۸۶)، برگرفته از ویلیامز (۲۰۰۵)، و ویلیامز (۲۰۰۵) نیز افزایش مشارکت از جمله اثرات شبکه‌های اعتبارات خرد گزارش شده‌است.

جدول ۷- پراکندگی نگرش پاسخ‌گویان به شاخص‌های توان‌مندی

شاخص	گروه	بسیار کم		کم		متوسط		زیاد		بسیار زیاد		جمع
		فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد			
بی‌قدرتی	فعال	۰	۰/۰	۵	۹/۶	۶	۱۱/۵	۱۴	۲۶/۹	۲۷	۵۱/۹	۵۲
	غیرفعال	۱	۲/۱	۶	۱۲/۸	۶	۱۲/۸	۱۵	۳۱/۹	۱۹	۴۰/۴	۴۷
احساسات نسبت به حیات اجتماعی	فعال	۰	۰/۰	۵	۹/۸	۲۲	۴۳/۱	۲۳	۴۵/۱	۱	۲/۰	۵۱
	غیرفعال	۰	۰/۰	۱۵	۳۰/۰	۲۲	۴۴/۰	۱۱	۲۲/۰	۲	۴/۰	۵۰
مشارکت	فعال	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۲۴	۵۳/۳	۲۱	۴۶/۷	۴۵
	غیرفعال	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۶	۱۷/۶	۱۸	۵۲/۹	۱۰	۲۹/۴	۳۴
اعتماد بین‌شخصی	فعال	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۱۲	۲۵/۵	۳۲	۶۸/۱	۳	۶/۴	۴۷
	غیرفعال	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۱۵	۳۱/۳	۳۱	۶۴/۶	۲	۴/۲	۴۸
احساس امیدواری	فعال	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۵	۱۰/۰	۲۷	۵۴/۰	۱۸	۳۶/۰	۵۰
	غیرفعال	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۳	۶/۵	۲۱	۴۵/۷	۲۲	۴۷/۸	۴۶
کنترل مالی	فعال	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۵	۱۰/۰	۲۷	۵۴/۰	۱۸	۳۶/۰	۵۰
	غیرفعال	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۳	۶/۵	۲۱	۴۵/۷	۲۲	۴۷/۸	۴۶
هنجار	فعال	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۱	۳/۴	۱۹	۶۵/۵	۹	۳۱/۰	۲۹
	غیرفعال	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۷	۳۵/۰	۱۲	۶۰/۰	۱	۵/۰	۲۰
اعتماد نهادی	فعال	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۵	۱۰/۰	۲۷	۵۴/۰	۱۸	۳۶/۰	۵۰
	غیرفعال	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۳	۶/۵	۲۱	۴۵/۷	۲۲	۴۷/۸	۴۶
اعتماد تعمیم‌یافته	فعال	۰	۰/۰	۲۴	۴۹/۰	۱۴	۲۸/۶	۵	۱۰/۲	۶	۱۲/۲	۴۹
	غیرفعال	۰	۰/۰	۱۸	۳۶/۷	۱۷	۳۴/۷	۱۰	۲۰/۴	۴	۸/۲	۴۹

جدول ۸- آزمون معناداری تفاوت نگرش به شاخص‌های توان‌مندی میان دو گروه فعال و غیرفعال

شاخص	آزمون یو من-ویتنی	آزمون ویلکاکسون	نمره ی Z	درجه‌ی معناداری
بی‌قدرتی	۱۰۳۲۱/۰	۳۱۶۰/۰	-۱/۳۳۹	۰/۱۸۱
احساسات نسبت به حیات اجتماعی	۹۳۴/۵	۲۲۰۹/۵	-۲/۳۱۵	۰/۰۲۱
مشارکت	۵۶۱/۰	۱۱۵۶/۰	-۲/۲۴۷	۰/۰۲۳
اعتماد بین‌شخصی	۱۱۱۵/۰	۲۲۹۱/۰	-۰/۰۹۷	۰/۹۲۳
احساس امیدواری	۹۳۴/۵	۲۲۰۹/۵	-۲/۳۱۵	۰/۰۲۱
کنترل مالی	۱۰۶۲/۵	۲۱۹۰/۵	-۰/۵۱۴	۰/۶۰۸
هنجار	۱۵۴/۰	۳۶۴/۰	-۳/۲۲۹	۰/۰۰۱
اعتماد نهادی	۱۰۰۲/۰	۲۲۷۷/۰	-۱/۲۱۲	۰/۲۲۶
اعتماد تعمیم‌یافته	۱۱۲۳/۰	۲۳۴۸/۰	-۰/۵۵۰	۰/۵۸۲

همان‌طور که جدول ۸ نشان می‌دهد، در مورد شاخص هنجار (وفاداری، احساس مسئولیت، صداقت و راستی، و دیگر)، بین دو گروه آزمودنی تفاوت وجود دارد. ۳۱ درصد فعالان، گرایش به هنجارها را بسیار زیاد عنوان کرده‌اند و این مقدار در بین غیرفعالان ۵ درصد است؛ همچنین ۳۵ درصد غیرفعالان در گرایش متوسط به هنجارهای اجتماعی دسته‌بندی شده‌اند، در حالی که ۳/۴ درصد فعالان در این دسته جای می‌گیرند. این تفاوت با آزمون یو من-ویتنی معنادار است (با توجه به قدر مطلق نمره ی Z، که بیش از ۱/۹۶ است و درجه‌ی معناداری، که کمتر از ۰/۰۵ است).

شاخص اعتماد با توجه به مطالعات نظری در سه سطح اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته، و اعتماد نهادی مورد بررسی قرار گرفت و هرچند بین اعتماد فعالان و غیرفعالان تفاوت وجود دارد، این تفاوت از لحاظ آماری معنادار نیست.

نتایج پژوهش‌های مایوکس (۱۹۹۹)، هاشمی، شولر، و رایلی (۱۹۹۶)، برگرفته از اوماشانکار (۲۰۰۶)، اوماشانکار (۲۰۰۶)، و چودوری (۲۰۰۲) نشان داد که با عضویت فعال در شبکه‌های اعتبارات خرد، کنترل زنان بر امور اقتصادی منزل افزایش یافته‌است، اما یافته‌های جدول بالا نشان می‌دهد که فعالان و غیرفعالان تفاوتی در مورد کنترل مالی ندارند و دلیل این امر را می‌توان تازه‌تأسیس بودن صندوق زنان پشت‌رود دانست؛ بنا بر این، برای درک بهتر اثر حضور در شبکه‌های اعتبارات خرد بر میزان کنترل زنان بر امور اقتصادی منزل، لازم است این مسأله طی دو یا سه سال آینده مورد ارزیابی دوباره قرار گیرد.

احساسات نسبت به حیات اجتماعی، مجموعه‌یی از شاخص‌های احساس سرزندگی، احساس دل‌مردگی، و امیدواری است، که بنا بر جدول بالا، فعالان و غیرفعالان از این لحاظ تفاوت دارند؛ به گونه‌یی که ۴۵ درصد فعالان و ۲۲ درصد غیرفعالان، احساسات نسبت



به حیات اجتماعی خود را زیاد عنوان کرده‌اند. این تفاوت، از لحاظ آماری (با توجه به نمره‌ی Z و درجه‌ی معناداری) تأیید شده‌است و فعالان صندوق، نسبت به حیات اجتماعی، احساساتی امیدوارانه‌تر از غیرفعالان دارند.

بین فعالان و غیرفعالان تفاوتی در مورد احساس بی‌قدرتی دیده‌نمی‌شود و هر دو گروه احساس بی‌قدرتی را یکسان اعلام کرده‌اند.

همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد، بین فعالان و غیرفعالان تفاوتی در مورد بهتر شدن رابطه با سایرین دیده‌نمی‌شود؛ بدین معنا که بهتر شدن رابطه با سایرین، دست‌آورد کلی صندوق برای کلیه‌ی اعضا (صرف نظر از میزان فعالیت) است.

جدول ۹- پراکندگی تقسیم کار پاسخ‌گویان در منزل

شاخص	گروه	زن		مرد		زن و مرد		دیگران		جمع	
		فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
تهیه‌ی لبنیات	فعال	۲۱	۸۷/۵	۳	۱۲/۵	۰	۰	۰	۰	۲۴	۱۰۰/۰
	غیرفعال	۲۵	۹۶/۲	۱۰	۳/۸	۰	۰	۰	۰	۲۶	۱۰۰/۰
پختن نان	فعال	۴۶	۹۷/۹	۰	۰	۱	۲/۱	۰	۰	۴۷	۱۰۰/۰
	غیرفعال	۴۵	۹۷/۸	۰	۰	۰	۰	۱	۲/۲	۴۶	۱۰۰/۰
تمیز کردن	فعال	۳	۱۳/۰	۷	۳۰/۴	۸	۳۴/۸	۵	۲۱/۷	۲۳	۱۰۰/۰
	غیرفعال	۷	۲۱/۹	۸۰	۲۵/۰	۶۰	۱۸/۸	۱۱۰	۳۴/۴	۳۲	۱۰۰/۰
خرید و فروش	فعال	۳	۱۱/۵	۱۰	۳۸/۵	۱۲	۴۶/۲	۱	۳/۸	۲۶	۱۰۰/۰
	غیرفعال	۷	۲۱/۲	۱۸۰	۵۴/۵	۸۰	۲۴/۲	۰	۰	۲۳	۱۰۰/۰
خرید وسایل	فعال	۶	۱۱/۱	۲۰	۳۷/۰	۲۷	۵۰/۰	۱	۱/۹	۵۴	۱۰۰/۰
	غیرفعال	۱۲	۲۳/۵	۲۶۰	۵۱/۰	۱۳۰	۲۵/۵	۰	۰	۵۱	۱۰۰/۰
رسیدگی به	فعال	۱۳	۲۴/۱	۷	۱۳/۰	۳۳	۶۱/۱	۱	۱/۹	۵۴	۱۰۰/۰
	غیرفعال	۱۹	۳۶/۵	۱۱۰	۲۱/۲	۲۲۰	۴۲/۳	۰	۰	۵۲	۱۰۰/۰

جدول ۱۰- آزمون معناداری تفاوت تقسیم کار منزل میان دو گروه فعال و غیرفعال

شاخص	آزمون یو-من-ویتنی	آزمون ویل‌کاکسون	نمره‌ی Z	درجه‌ی معناداری
تهیه‌ی لبنیات	۳۱۱/۰	۶۶۲/۰	-۰/۵۱۲	۰/۶۰۹
پختن نان	۱۴۲۹/۵	۲۹۱۴/۵	-۰/۳۲۱	۰/۹۸۴
تمیز کردن محل دام	۳۶۳/۰	۶۳۹/۰	-۰/۰۸۷	۰/۹۳۰
خرید و فروش دام یا محصول	۳۰۶/۵	۸۷۶/۵	-۲/۰۲۹	۰/۰۴۲
خرید وسایل بزرگ منزل	۹۶۵/۰	۲۲۹۱/۵	-۲/۸۵۲	۰/۰۰۴
رسیدگی به بازپرداخت‌ها	۱۱۰۸/۰	۲۴۸۶/۰	-۲/۰۵۶	۰/۰۴۰

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در مورد تقسیم کارهای روزمره (مانند شست‌وشو، تهیه‌ی غذا، تهیه‌ی لبنیات، جارو کردن، پختن نان، تمیز کردن محل دام‌ها، و دیگر^۱) بین اعضای فعال و غیرفعال صندوق تفاوتی معنادار دیده‌نمی‌شود؛ یعنی حضور در صندوق نتوانسته‌است در تقسیم کار روزمره مؤثر باشد، اما در مورد اجرای^۲ امور مالی منزل (مانند خرید وسایل بزرگ منزل، خرید و فروش دام‌ها، و رسیدگی به وام‌ها) بین دو گروه تفاوتی معنادار وجود دارد. نکته‌ی جالب توجه این که در بین غیرفعالان، بیش‌تر مردها به این امور رسیدگی می‌کنند؛ در حالی که در بین فعالان، این امور، به طور مشترک، به وسیله‌ی زنان و مردان انجام می‌شود و این نقطه‌ی عطفی در مورد واگذاری اعتبارات خرد به حساب می‌آید.

نتایج تحلیل برازش (با روش درون‌دهی^۳) نشان داد که اگر فعال بودن را متغیر وابسته بدانیم، هم‌بستگی آن با ترکیب خطی متغیرهای مستقل شیوه‌ی بازپرداخت، داشتن دفترچه‌ی پس‌انداز ۵۰ هزار تومانی، مشارکت، و امیدواری قابل‌پیش‌بینی است. میزان واریانس متغیر فعال بودن، که از طریق متغیرهای موجود در تحلیل تبیین شده، معادل ۷۴ درصد است، که در این صورت ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۷۴ و ضریب برازش (R) برابر ۰/۵۵ به دست می‌آید، که این مقدار در سطح ۰/۰۰ معنادار است. شیوه‌ی بازپرداخت‌ها نیز با ترکیب خطی متغیرهای مستقل داشتن دفترچه‌ی پس‌انداز ۵۰ هزار تومانی، سن پاسخ‌گو، وضع فعالیت، وضع تأهل، مشارکت، و امیدواری قابل‌پیش‌بینی است و در این صورت ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۳۲ و ضریب برازش (R) برابر ۰/۵۵۶ به دست می‌آید، که این مقدار در سطح ۰/۰۰ معنادار است.

نتیجه‌گیری

توان‌مندسازی در این پژوهش در سه سطح خرد، میانی، و کلان سنجیده‌شد. سطح خرد، که شیوه‌ی مصرف وام‌ها را نشان می‌دهد، بیان‌گر آن است که در مجموع، اعطای وام‌ها، از طریق افزایش توان مقابله با ریسک‌های مالی (در پی فصلی بودن مشاغل، بدهی، بیماری، و نظایر آن)، ایجاد مشاغل (تهیه‌ی دام، پرورش قارچ، تهیه‌ی لوازم اولیه‌ی کارهایی چون خیاطی، آرایش‌گری، نان‌پزی، مغازه‌داری، و مانند آن‌ها)، افزایش پس‌انداز، و راه‌های دیگر، سبب کاهش فقر شده‌است، اما هنوز راهی طولانی برای افزایش رفاه (که از جمله اهداف

^۱ اطلاعات در مورد هر شاخص، جداگانه موجود است، اما برای مقایسه فقط چند نمونه در جدول گنجانده شده‌است.

^۲ صرفاً اجرای امور مالی، و نه تصمیم‌گیری امور مالی، مد نظر است.

^۳ Enter Method



اعتبارات خرد است) وجود دارد. در سطح میانی، که توان‌مندی اجتماعی و روانی را می‌سنجد، بر اساس یافته‌های پژوهش، بین حضور فعالانه‌ی اعضا با مشارکت و تأکید بر هنجارها و ارزش‌ها، رابطه‌ی معنادار وجود دارد، اما بین حضور فعالانه‌ی اعضا و اعتماد، رابطه‌ی معنادار مشاهده نمی‌شود. با ترکیب شاخص‌های گفته‌شده، شاخص سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان مؤلفه‌ی توان‌مند اجتماعی در نظر گرفته‌شد، که به این ترتیب، شاهد تفاوت سرمایه‌ی اجتماعی فعالان و غیرفعالان بودیم و در مجموع می‌توان گفت حضور فعالانه در شبکه‌های واگذاری اعتبارات خرد سبب افزایش سرمایه‌های اجتماعی زنان شده‌است.

حضور در شبکه‌های واگذاری اعتبارات خرد سبب توان‌مندی روانی اعضای فعال شده‌است؛ به گونه‌ی که احساسات اعضای فعال نسبت به حیات اجتماعی امیدوارانه‌تر از غیرفعالان است، اما کلیه‌ی اعضا (فعالان و غیر فعالان) از بهبود رابطه با سایرین، به عنوان مزیت حضور در شبکه‌های اعتبارات خرد، سود می‌برند.

در سطح کلان توان‌مندسازی، توان‌مندی فرهنگی اعضا مورد بررسی قرار گرفت و یافته‌های پژوهش نشان داد که اعتبارات خرد نتوانسته‌است منجر به توان‌مندی فرهنگی اعضا (با شاخص‌های تقسیم کار جنسیتی و میزان کنترل بر دارایی‌ها) شود. تقسیم کار جنسیتی در منزل یک فرآیند تاریخی است، که با فعالیت‌های محدود (از جمله عضویت در شبکه‌های اعتبارات خرد) قابل‌تغییر نیست و نیاز به تلاش ملی دارد.

پیشنهادها

در مورد افزایش اثر اعتبارات خرد بر توان‌مندسازی زنان و کاستن از تأثیرات منفی آن، بر پایه‌ی مطالعات و یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی به شرح زیر بیان می‌شود:

- **تشکیل کلاس‌های آموزشی** - قبل از شروع برنامه‌های واگذاری اعتبارات خرد بهتر است به وسیله‌ی مسئولان و سپس اعضای قدیمی، نشست‌هایی آموزشی در مورد شیوه‌ی گرفتن وام، مبالغ سود، شیوه‌ی بازپرداخت‌ها، و مسائل دیگر برای اعضا برگزار شود.
- **تشکیل کارگاه‌های کارآفرینی با سرمایه‌های خرد** - به این منظور که اعضا در کنار آشنایی با کارآفرینی و فرصت‌ها و محدودیت‌های کارآفرینی، هر یک بر حسب علاقه و امکانات، به کاری دائمی و پایدار بپردازند، تا از این رهگذر هم از لحاظ شغلی امنیت خاطر بیابند و هم اعتماد به نفس و قدرت حل مشکلات شخصی‌شان را افزایش دهند.
- **توسعه‌ی گروه‌های محلی** - با توجه به اهمیت توسعه‌ی گروه‌های محلی و نقش آن در توسعه‌ی انسانی-اجتماعی پیشنهاد می‌شود برای هر هدف خاص، یک شبکه‌ی محلی

جداگانه با حضور افراد ذینفع ایجاد شود. عضویت افراد در دو یا سه شبکه به افزایش مشارکت، گسترش اعتماد، و حل مشکلات به وسیله‌ی خود اعضا کمک می‌کند و می‌توان امیدوار بود از طریق افزایش میزان اثرگذاری اعضا بر روند امور، احساس بی‌قدرتی کاهش یابد.

– تلاش برای دریافت وام‌های کم‌بهره‌ی رسمی برای صندوق – به دلیل آن که ایجاد شغل با مبالغ کم وام امکان‌پذیر نیست و میزان وامی که به اعضا داده می‌شود برای بیش‌تر اعضا کم است، افزایش مبلغ موجودی صندوق به همراه اقساط بلندمدت می‌تواند مفیدتر باشد.

– تشکیل کارگاه‌هایی جهت حمایت از وام‌ها با حضور مشاور امور اقتصاد روستایی – از آن جا که در بعضی موارد، مبالغ وام به جهت ناآگاهی از بیمه‌ی دام یا انتخاب نامناسب کالا به هدر می‌رود، پیشنهاد می‌شود کارگاه‌هایی آموزشی در مورد حمایت از وام‌ها ایجاد شود و در آن افراد حضور فعال داشته‌باشند تا از یک سو از تجربه‌های یک‌دیگر استفاده کنند و از سویی دیگر با آموزش دیدن در مورد شیوه بیمه‌ی دام‌ها و یا نوع جنس قابل‌نگاهداری و فروش در مغازه‌ها (با توجه به شرایط آب و هوایی، نیازسنجی، و بازاریابی کالاها) بتوانند از مبالغ وام بهترین استفاده را کرده، مانع بروز بحران‌های مالی این‌چنینی شوند.

– توجه به گروه‌های حاشیه‌یی – هنگامی که گروه‌های حاشیه‌یی به مرکز می‌آیند، از یک سو با مشکل عدم پذیرش از سوی مرکز نشینان روبه‌رو می‌شوند و از سوی دیگر، نسبت به سایرین اعتماد کافی ندارند و نسبت به آن‌ها احساس تعهدی خاص نمی‌کنند (این شبکه نیز با یک گروه حاشیه‌یی^۱ روبه‌رو شد، اما عملاً آن‌ها در جریان کار ماندگار نشدند؛ بنا بر این، بهتر است ابتدا برای آن‌ها شبکه‌یی خاص ایجاد شود تا از طریق این شبکه‌ی میانجی به جمع مرکز نشینان وارد شوند. تجربه نشان داده‌است که با ورود مستقیم حاشیه‌نشینان به شبکه‌های اعتبارات خرد، آن‌ها با عدم پذیرش و از طرفی سرخوردگی ناشی از کارهای گروهی روبه‌رو می‌شوند.

^۱ زنان ساکن در حاشیه‌ی پست‌رود که قبل از زلزله بخشی از کارگران کوره‌های آجرپزی را تشکیل می‌دادند از جمله گروه‌های حاشیه‌یی این صندوق بودند، اما عملاً نتوانستند در گروه پایدار بمانند.



منابع

- ابوت، پامل، و کلر والاس. ۱۳۸۵. *جامعه‌شناسی زنان*. برگردان منیره نجم عراقی. چاپ ۴. تهران: نشر نی.
- _____ . ۱۳۸۵. «بررسی رابطه‌ی شبکه‌های خرده‌وام‌دهی و توان‌مندسازی زنان روستایی: مطالعه موردی روستای پشت‌رود بم». *تاوانا* ۱(۱): ۸-۲۸.
- ادواردز، جک ئی، ماری دی. تامس، پل روزن‌فلد، و استفانی بوث-کیولی. ۱۳۷۹. *تحقیق پیمایشی: راهنمای عمل*. برگردان داوود ایزدی و سیدمحمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، جمشید عینالی، و حمدالله سجاسی قیداری. ۱۳۸۵. «ارزیابی آثار اعتبارات خرد در توسعه کشاورزی: مطالعه موردی تعاونی‌های خودجوش روستایی شهرستان خدابنده». *اقتصاد کشاورزی و توسعه* ۱۴(۵۶): ۴۵-۷۶.
- بختیاری، صادق. ۱۳۸۵. «مفاهیم، تعاریف و سابقه‌ی اعتبارات خرد با نگاهی به عمل‌کرد بانک کشاورزی». صص ۱۷-۳۸ در *مجموعه‌مقالات سمینار اعتبارات خرد: توسعه‌ی روستایی و فقرزدایی*. تهران: مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی.
- حسن‌زاده، علی، و صالح قویبل. ۱۳۸۴. «چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران: مقایسه‌ی تطبیقی صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی و گرامین‌بانک بنگلادش». *اقتصاد کشاورزی و توسعه* ۱۳(۴۹): ۱۴۱-۱۶۹.
- دفتر امور زنان ریاست جمهوری، و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف). ۱۳۷۲. *نقش زنان در توسعه*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- دیهیم، حمید، و معصومه وهابی. ۱۳۸۲. «دست‌رسی زنان به اعتبارات نظام بانکی». *پژوهش زنان* ۱(۷): ۶۱-۸۷.
- سازمان ملی جوانان. «گزارش سمینار بین‌المللی اعتبارات خرد برای جوانان». ۱۳۸۲. «گزارش سمینار بین‌المللی اعتبارات خرد برای جوانان». ۱۶-۱۹ اسفند، سازمان ملی جوانان، شیراز.
- عرب مازار، محمد، و تقی جمشیدی. ۱۳۸۵. «نقش بانک کشاورزی در تأمین مالی اعتبارات خرد کشاورزی: مطالعه‌ی موردی بخش زراعت». صص ۱۱۱-۱۳۰ در *مجموعه‌مقالات سمینار اعتبارات خرد: توسعه‌ی روستایی و فقرزدایی*. تهران: مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی.
- غفاری، غلامرضا، و محسن نیازی. ۱۳۸۶. *جامعه‌شناسی مشارکت*. تهران: نشر نی.
- کتابی، محمود، بهجت یزدخواستی، و زهرا فرخی راستایی. ۱۳۸۲. «توان‌مندسازی زنان برای مشارکت در توسعه». *پژوهش زنان* ۱(۷): ۵-۳۰.
- گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۶. *جامعه‌شناسی*. برگردان حسن چاووشیان. تهران: نشر نی.
- نگین، وحیده. ۱۳۸۴. «نقش تأمین مالی خرد در کاهش فقر». *تأمین اجتماعی* ۷(۲۲): ۴۱-۵۶.
- هادی‌زاده بزاز، مریم. ۱۳۸۲. *حاشیه‌نشینی و راه‌کارهای سامان‌دهی آن در جهان*. مشهد: شهرداری مشهد.
- یعقوبی، جعفر. ۱۳۸۴. «بررسی اثر اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان». *پژوهش زنان* ۱(۱۳): ۱۲۵-۱۴۶.

- Chowdhury, Mohammad Jahangir Alam.* 2002. "The Role of Micro-Credit in Alleviation of Poverty: A Study of Grameen Bank in Bangladesh." Paper presented at the 2nd Biennial conference of the Aotearoa New Zealand International Development Studies Network (DevNet), 17–19 November, Victoria University of Wellington, Wellington, New Zealand. Retrieved 7 July 2008 (<http://www.devnet.org.nz/conf/Papers/chowdhury.pdf>).
- Batliwala, Srilatha.* 1994. "The Meaning of Women's Empowerment: New Concepts from Action." Pp. 127–138 in *Population Policies Reconsidered: Health, Empowerment, and Rights*, edited by *Gita Sen, Adrienne Germain, and Lincoln C. Chen*. Boston: Harvard University Press.
- Bhat, Rashmi.* 2002. "Feminisation of Poverty and Empowerment of Women: An Indian Perspective and Experience." Paper presented at the Townsville International Women's Conference, 3–7 July 2002, James Cook University, Townsville, Australia.
- Dyar, Cindy, Patrice Harduar, Cynthia Koenig, and Gabriela Reyes.* 2006. "Microfinance and Gender Inequality in China." Report prepared for the International Economic Development Program, International Policy Student Association, Gerald R. Ford School of Public Policy, University of Michigan, Ann Arbor, MI, USA. Retrieved 7 May 2008 (<http://www.umich.edu/~ipolicy/china/10>) Microfinance and Gender Inequality in China.pdf).
- Esman, Milton J.* 2003. "Social Capital and Empowerment." Retrieved 7 May 2008 (http://siteresources.worldbank.org/INTEMPowerment/Resources/486312-1097679640919/think_pieces_esman.pdf).
- Longwe, Sara, and Roy Clarke.* 1999. "Towards Improved Leadership for Women's Empowerment in Africa: Measuring Progress and Improving Strategy." Paper prepared for the Africa Leadership Forum. Retrieved 28 September 2008 (<http://www.africaleadership.org/Finreports/ISWA.pdf>).
- Marincowitz, Gert J. O.* 2003. "How to Use Participatory Action Research in Primary Care." *Family Practice* 20(5):595–600.
- Malhotra, Anju, Sidney Ruth Schuler, and Carol Boender.* 2002. "Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development." Paper prepared for the World Bank Workshop on Poverty and Gender: New Perspectives. Retrieved 1 June 2008 (<http://siteresources.worldbank.org/INTGENDER/Resources/MalhotraSchulerBoender.pdf>).
- Mason, Karen Oppenheim, and Herbert L. Smith.* 2003. "Women's Empowerment and Social Context: Results from Five Asian Countries." Retrieved 14 August 2008 (http://siteresources.worldbank.org/INTEMPowerment/Resources/13323_womens_empowerment.pdf).
- Mayoux, Linda.* 1997. "The Magic Ingredient? Microfinance and Women's Empowerment." Paper prepared for the Micro Credit Summit, Washington, DC, USA. Retrieved 14 June 2008 (<http://www.gdrc.org/icm/wind/magic.html>).
- . 1999. "From Access to Empowerment: Gender Issues in Micro-Finance." UN Commission on Sustainable Development (CSD) NGO Women's Caucus Position Paper for CSD-8, 2000. Retrieved 14 June 2008 ([http://www.earthsummit2002.org/wcaucus/Caucus Position Papers/micro-finance.pdf](http://www.earthsummit2002.org/wcaucus/Caucus%20Position%20Papers/micro-finance.pdf)).
- . 2000. "Micro-Finance and the Empowerment of Women: A Review of the Key Issues." Working paper, International Labour Organization (ILO), Geneva, Switzerland. Retrieved 23 July 2008 (<http://www.ilo.org/public/english/employment/finance/download/wpap23.pdf>).



- Oxaal, Zoë, and Sally Baden. 1997. "Gender and Empowerment Definitions, Approaches, and Implications for Policy." Briefing prepared for the Swedish International Development Cooperation Agency (Sida). BRIDGE (development-gender), Institute of Development Studies, University of Sussex, Brighton, UK. Retrieved 23 March 2008 (<http://www.bridge.ids.ac.uk/reports/re40c.pdf>).
- Page, Nanette, and Cheryl E. Czuba. 1999. "Empowerment: What Is It?" *Journal of Extension* 37(5). Retrieved 12 May 2008 (<http://www.joe.org/joe/1999october/comm1.php>).
- Rankin, Katharine N. 2002. "Social Capital, Microfinance, and the Politics of Development." *Feminist Economics* 8(1):1–24.
- Stromquist, Nelly P. 1995. "The Theoretical and Practical Bases for Empowerment." Pp. 13–22 in *Women, Education, and Empowerment: Pathways towards Autonomy* (Report of the International Seminar on Women's Education and Empowerment, 27 January–2 February 1993, Hamburg, Germany), edited by Carolyn Medel-Añonuevo. Hamburg, Germany: Institute for Education, United Nations Educational Scientific and Cultural Organization (UNESCO).
- Umashankar, Deepti. 2006. "Women's Empowerment: Effect of Participation in Self-Help Groups." PhD Dissertation. Indian Institute of Management Bangalore, Bangalore, India.
- Williams, Jill. 2005. "Measuring Gender and Women's Empowerment Using Confirmatory Factor Analysis." Working paper, Research Program on Population Processes, Institute of Behavioral Science, University of Colorado, Boulder, CO, USA. Retrieved 2 February 2008 (<http://www.colorado.edu/ibs/pubs/pac/pac2005-0001.pdf>).
- World Bank. 2002. "What Is Empowerment?" Pp. 10–23 in *Empowerment and Poverty Reduction: A Sourcebook*. Washington, DC, USA: World Bank. Retrieved 24 May 2008 (<http://siteresources.worldbank.org/INTEMPowerment/Resources/486312-1095094954594/draft2.pdf>).
- Woroniuk, Beth, and Johanna Schalkwyk. 1998. "Enterprise Development: a) Micro-Credit and Equality between Women and Men." Paper prepared for Swedish International Development Cooperation Agency (Sida), Stockholm, Sweden. Retrieved 24 April 2008 (<http://www.oecd.org/dataoecd/2/41/1896456.pdf>).

نویسندگان

مریم رحمانی،

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان
rahmani.maryam1@gmail.com

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۶. وی در دو طرح مرتبط با تجربه‌ی بیم، هم‌کار و دستیار پژوهشی بوده‌است. پژوهش‌های وی در زمینه‌ی توان‌مندسازی زنان، سرمایه‌ی اجتماعی، و مدیریت بحران است. از وی چندین مقاله‌ی تخصصی و علمی-پژوهشی به چاپ رسیده یا در هم‌آیش‌های کشوری و بین‌المللی ارائه شده‌است.

دکتر سیامک زند رضوی،

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان
szandrazavi@gmail.com

دانش‌آموخته‌ی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۲. عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران؛ عضو انجمن دوست‌داران کودک بیم. پژوهش‌های وی در زمینه‌ی مشارکت اجتماعی، مدیریت بحران، و حقوق کودک است. وی دو کتاب *جامعه‌شناسی و مدیریت بحران منابع تجدیدشونده و جامعه‌شناسی و مدیریت بحران تجربه‌ی بیم* را زیر چاپ دارد. وی چندین مقاله‌ی علمی پژوهشی و ترویجی تخصصی نگاشته و در پنج همایش بین‌المللی و ۲۵ هم‌آیش کشوری مقاله ارائه کرده‌است.

دکتر علی ربانی،

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان
alirabbani8786@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۱. مدیر گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان. پژوهش‌های وی در زمینه‌ی جامعه‌شناسی دین، شهروندی و جامعه‌شناسی معرفت، و نظریه‌های جامعه‌شناسی است. وی نگارنده‌ی کتاب *مقدمه‌ای بر مبانی و اصول آموزش شهروندی* است. از وی بیش از ۳۰ مقاله به زبان فارسی و پنج مقاله به زبان انگلیسی چاپ شده‌است.

دکتر مهدی ادیبی،

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان
m.adibi@ltr.ui.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه دولتی بوردو^۱، فرانسه ۱۹۹۶. عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران. پژوهش‌های وی در زمینه‌ی فرهنگ عمومی، زنان، جوانان، جنگ و نیروهای نظامی، و جامعه‌شناسی گروه‌های کوچک است. از وی بیش از ۲۰ مقاله‌ی علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی و تخصصی به چاپ رسیده‌است.

¹ Université de Bordeaux, Bordeaux, France